

در روایات اهل بیت علیهم السلام، برخی از شغل ها و کسب ها، کسب ناپسند معرفی شده اند. شغل هایی همچون سلاخی، برده فروشی، کفن فروشی، صیرفی (فروش طلا و نقره) و....

بر چرایی ناپسند بودن این شغل ها نیز در روایات، اشاره شده است.

تبیین این روایات، نیازمند توجه به تأثیر تربیتی کسب و پیشه، بر روحیه فرد است. تأثیری که ناخودآگاه، صاحب شغل و کسب را روحیه ای دیگر می بخشد، یا ویژگی های نهفته در وجود او را بارور می سازد.

بررسی شغل های نکوهیده از منظر اسلام، نشان دهنده دو ویژگی اساسی در این مجموعه است:

۱. آسیب رسانی به لطافت روح انسانی

فطرت پاک انسانی، هدیه الهی به بشر و نماد «و نفخت فیہ من روحی» است. این سرمایه انسانی موهبتی گرانبهاست که باید از هر گزندی مصون بماند.

انجام دادن برخی رفتارها سبب آفت زدگی روح انسانی و آسیب دیدگی لطافت موجود در آن می شود. اگر این رفتارها تکرار شده یا به صورت شغل مستمر درآیند تأثیر ویرانگری بر روح انسانی می گذارند.

کشتن و سر بریدن حیوانات، پوست کندن آنها و حتی قصابی، سبب سخت دلی و سنگ دلی آدمی شده و لطافت و زلالی روح او را خدشه دار می سازند. سر بریدن حیوانات، اگر چه برای اهداف شرعی و عرفی، عملی مجاز است، ولی شدت و خشونت درون خود دارد که تکرار آن عمل یا ابزار کسب قرار دادن آن، سبب نهادینه شدن آن خشونت در وجود عامل آن می شود. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «فَإِنَّ الْجَزَّازَ تُسَلِّبُ مِنْهُ الرَّحْمَةَ» [۱] دل رحیمی از سلاخ گرفته می شود.

کفن فروشی، به ویژه مطابق با رسوم کهن نیز از گروه شغل هایی است که لطافت روح انسانی را مخدوش می سازند. کفن فروش به سبب علاقه به درآمد بیشتر خود، مشتاق مرگ افراد بیشتر و درآمدزایی ناشی از کفن فروشی خویش است، تا جایی که بنا بر روایت اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام، بیماری واگیردار و فراگیری همچون وبا نیز ممکن است سبب خوشحالی او شود! «فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسُرُّهُ الْوَبَا إِذَا كَانَ» [۲] ؛ کفن فروش از آمدن وبا هم شاد می شود.

شغل برده فروشی نیز از منظر تربیتی بر روح انسان تأثیر بد می گذارد. از زاویه دید برده فروش، انسان برده، متاعی همچون اشیای بی جان یا حیوانات است و مطابق با معیارهای سودآوری به او نگرسته می شود. او به ارزش انسانی یا خواسته های روحی و روانی برده نمی اندیشد، بلکه همه چیز را مطابق با درآمد خویش یا قیمت بازار می سنجد. اگر خریدار، در پی کودکی بدون مادر، یا مادری بدون فرزند باشد او به راحتی میان مادر و فرزند جدایی می اندازد، تا سود خویش را افزون کند.

این سخن از قول جبرئیل است آیا آنچه جبرئیل می گوید از جانب خداست؟، خطاب به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می فرماید:

يَا مُحَمَّدُ، إِنَّ شَرَّ أُمَّيْكَ الَّذِينَ يَبِيعُونَ النَّاسَ. [۳]

ای محمد، بدترین افراد امت تو کسانی اند که انسان می فروشند.

۲. شغل های با احتمال لغزش زیاد

گروه دوم از کسب های نکوهیده، شغل هایی هستند که به جهت ظرافت و دقت داد و ستد، یا لوازم عرفی همراه با شغل، یا شیء مورد معامله، احتمال لغزش و انحراف در آنها بیش از شغل های دیگر است. طبیعت این کسب ها دربردارنده این خطر است و انسان دارنده آن شغل، احتمال لغزش و انحرافش بیشتر است.

داد و ستد طلا و نقره که با عنوان «صرف» در روایات آمده از آن جمله است. تخمین عیار و درصد خلوص طلا و نقره با امکانات آن دوران، تعیین وزن دقیق این دو فلز گرانها و معیار تبدیل گونه های متفاوت آن به یکدیگر، کارهای دشواری بودند که همه آنها بر عهده «صیرفی» قرار داشت. طبیعی است که منافع فردی و تمایل آدمی به درآمدزایی بیشتر، امکان لغزش در سنجش عیار و وزن و تبدیل این فلزات به یکدیگر را افزایش می دهد. ضمن آن که به سبب ظرافت موجود در سنجش، طرف مقابل یعنی خریدار یا فروشنده نیز امکان فهم یا تصحیح اشتباه صیرفی را ندارد. از این رو، امام صادق علیه السلام در باره این شغل فرموده است: «قَاتَ الصَّيرْفِيُّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الرِّبَا» [۴] صیرفی مصون از ربا نیست.

فروش مواد غذایی روزانه مردم (قوت رايج) نیز همین مشکل را دارد و ممکن است در برخی موارد به احتکار بینجامد.

این خطر به ویژه در جوامع کهن که تجارت و نقل و انتقال مواد غذایی، بسی دشوارتر از این زمان بوده، نمود بیشتری داشته است؛ زیرا به محض کاهش عرضه قوت رايج مردم، همانند گندم، و احتمال افزایش قیمت آن، طبیعت انسانی و مادیگرایی فروشندگان به احتکار و عرضه نکردن اجناس رو می آوردند تا درآمد خویش را افزایش داده یا سرمایه خویش را از دست ندهند. بدین سبب، احتمال لغزش در این شغل ها بیش از شغل هایی همانند پارچه فروشی است که به سبب نبودن نیاز ضروری و آبی مردم، احتکار در آن بی معنا بوده است. در روایت اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده است: «لَا تُسْلِمَةُ بَيْعِ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ» [۵] فرزند خود را [برای آموزش کسب] نزد فروشنده طعام نفرست، زیرا او از [گناه] احتکار مصون نیست.

در روایت دعائم الاسلام نیز درباره علاقه های پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «أَنَّهُ اسْتَحَبَّ تِجَارَةَ اللَّبَنِ وَكَرِهَ تِجَارَةَ الْجِنَاطَةِ» [۶]. آن حضرت تجارت پارچه را دوست داشت و تجارت گندم را ناپسند می دانست.

تجارت مواد غذایی در اوقات بحرانی، سبب پدید آمدن و تقویت رذائل اخلاقی نیز می شود و آن را به گروه اول نیز ملحق می سازد یعنی منافع فردی سبب چشم بستن بر نیازهای مردم و سختی های آنها می شود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «مَنْ بَاعَ الطَّعَامَ نَزَعَتْ مِنْهُ الرَّحْمَةُ» [۷] هر کس که طعام [و قوت روزانه مردم] را بفروشد، دل رحمی از او سلب می شود.

در پایان، تذکر چند نکته مفید است:

۱. در شغل هایی که احتمال لغزش در آنها فراوان است، اگر فردی با آمادگی کامل و پرهیز از لغزش ها، آن شغل را انتخاب کند اشکالی ندارد. چنانکه برخی اصحاب امامان علیهم السلام صیرفی بوده اند و خطر شغل خود را با امام علیه السلام نیز مطرح کرده اند، ولی امام علیه السلام تغییر شغل را توصیه نکرده اند. [۸]

همچنان که اگر فروشنده مواد غذایی از احتکار پرهیزد عمل او اشکالی نخواهد داشت: «فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ التِّجَارَةُ بِهَا مُحَرَّمَةً» [۹] اگر این گونه نباشد، داد و ستد نسبت به آن حرام نیست.

۲. مواردی که در روایات پیشین شمرده شده اند، به منزله شغل و کسب مکروه معرفی شده اند، نه آن که هر گونه داد و ستد در آن کارها کراهت داشته باشد. یعنی اگر چه شغل کفن فروشی مکروه است، ولی خریدن کفن کراهتی ندارد حتی توصیه شده است که انسان کفن خویش را در زمان حیات خود خریداری کند. [۱۰]

۳. ناپسندی برخی شغل ها، به شرایط زمانی و مکانی خاص آنها بستگی دارد و اگر در زمانی دیگر، معیارهای ذکر شده در ابتدای نوشته در باره مشاغل تغییر کند پسندیدگی و ناپسندی نیز تغییر خواهند کرد.

برای مثال در دوره کهن، فرد کفن فروش در هر روستا و شهر کوچک، منتظر مرگ افراد بیشتری بود تا کفن بیشتری به فروش رسانده، درآمد فزون تری کسب کند. ولی در زمان معاصر و مطابق با عرف موجود، مرسوم است که افراد در مکان های مقدس کفن خویش را خریداری کرده و حتی

برای دیگران به سوغات می برند. یعنی ارتباط فروش کفن با فراوانی مرگ و میر قطع شده و در نتیجه معیار کراهت در زمان حال وجود ندارد. همچنان که فروشندگان کفن همراه با کفن فروشی اجناس فراوان دیگری را نیز به فروش می رسانند و معاش آنها به کفن فروشی تنها وابسته نیست.

در مقابل، ارتباط افراد حاضر در مراسم عزا، همچون قاری قرآن و مداح و سخنران، با مرگ و میر افراد هم دوره و هم محلی خویش، بیشتر شده و ویژگی سُور و شادی از مرگ بیشتر افراد در این شغل ها نیز مصداق می یابد.

هم چنان که برخی شغل های نو پدید، همانند فروش لوازم آرایش، یا لوازم خاص زنان، به سبب احتمال خطر و انحراف، نکوهیده تلقی می شود. ۴. در برخی احادیث، فروش برخی اشیاء همچون زمین و خانه ناپسند شمرده شده است، ولی این ناپسندی ارتباطی با کسب و شغل ندارد. بلکه تنها درباره شیء مورد معامله است.

برای مثال، فروش زمین زراعی، مزرعه، خانه و بنا تنها در صورتی شایسته است که به جای آن، زمین، باغ و خانه دیگری خریداری شود و آلا فروش سرمایه و مصرف آن در کارهای روزمره و گذرا، ناپسند است. دلیل این سخن نیز مشخص است؛ زیرا تبدیل کردن سرمایه مولد به سرمایه غیر مولد و مصرفی، شایسته نیست. بدین سبب امام صادق علیه السلام فروش زمین زراعی را هدر رفته می شمارد، مگر آن که به جای آن زمین زراعی دیگر خریداری شود. آن حضرت می فرماید: «ای ابو سیار! آیا نمی دانی که هر کس آب و گلی را بفروشد مالش برباد رفته است؟» گفتم: فدایت شوم، آن را به بهای بسیار می فروشم و زمینی بزرگ تر از آن را که فروخته ام می خرم. امام فرمود: «خوب است».[۱۱]

[۱] . ر . ك : ج ۲۵۲ .

[۲] . ر . ك : ج ۲۵۲ .

[۳] . ر . ك : ج ۲۵۲ .

[۴] . ر . ك : ج ۲۵۲ .

[۵] . ر . ك : ج ۲۵۲ .

[۶] . ر . ك : ج ۲۳۹ .

[۷] . ر . ك : ج ۳۴۱ .

[۸] . ر . ك : کافی : ج ۵ ص ۱۱۴ ح ۲ (پرسش سدیر صیرفی از امام باقر علیه السلام در باره کارش و بی اشکال دانستن امام علیه السلام ، همچنین ر . ك : همان : ج ۳ درباره فروش آرد و بی اشکال شمردن آن) .

[۹] . ر . ك : ج ۲۳۹ .

[۱۰] . ر . ك : توضیح المسائل امام خمینی مسئله ۵۷۲ .

[۱۱] . ر . ك : ج ۳۴۶ .